

**ماجرای عشق و عاشقی میدون**

### توافق سوفیایی

● **پوریا عالمی:** من میدون هستم، میدون دوم، عاشق سوفیا. بابای سوفیا اما عاشق من نیست و روی وطن و ناموس و پرسپولیس حساس است. دیروز هم رفتم خواستگاری و گفتم: سوفیا را بده من.

بابای سوفیا گفت: پسر سوفیا در زندگی من مثل برجام است. من هم که می‌دانی روی برجام حساسم. یعنی من به این سادگی نمی‌توانم با تو توافق سوفیایی کنم. چرا؟ چون من الان تو را تحریم کردم و تو هیچ دادوستدی با من نداری. وقتی می‌آیی اینجا که دست به بند کیفیت است و یک جعبه شیرینی نمی‌خوری؛ چون پول نداری. تو برای منافعت هم که شده باید با سوفیا ازدواج کنی. از آن‌طرف تا وقتی با سوفیا ازدواج نکنی، نه دنبال کار می‌روی، نه دنبال تحصیل. هرکی هم ازت می‌پرسد چرا هیچ کاری نمی‌کنی می‌گویی داری روی سوفیا کار می‌کنی. حالا من هی روی تو فشار می‌آورم که سوفیا را به تو نمی‌دهم. نتیجه؟ هیچی. تو دوباره می‌روی با سنگ می‌زنی شیشه ما را می‌شکنی. می‌روی آتنن ما را می‌چرخانی. توی محل هم شروع می‌کنی به سمپاشی علیه ما که ما این ایرادات را داریم و سوفیا صدات مشکل دارد. چرا؟ تا سوفیا بماند روی دست ما و صاحب اول و آخرش هم خودت باشی. از آن‌طرف این‌قدر مرام نداری و پا شدی و رفتی خواستگاری شش‌تن تا دخترهای همسایه. چرا؟ تا به سوفیا فشار بیاوری که سوفیا از درون من را آزاد دهد. اما مگر خواندی؟ چون سوفیا چطور می‌خواهد به من فشار بیاورد؟ باید قهر کند و غذا نخورد. غذا نخورد به‌کی صدمه زده؟ به من یا‌خودش؟ ها‌ها‌ها. حالا با این اوصاف اگر من توافق سوفیایی با تو کنم، اوضاع می‌ریزد به‌هم و رابطه ما با این شش‌تا همسایه‌ای که تو رفتی خواستگاری دخترانشان به‌هم می‌ریزد. اگر با تو توافق سوفیایی نکنم، سوفیا می‌ماند رو دستم. فامیل و در و آشنا هم که مخالف این وصلت و توافق بودند و می‌گفتند تو ریگی به گفشت است و آدم مشکوک و بی‌پولی هم هستی و هدف از به‌دست‌آوردن سوفیا این است که به خانواده ما ورود کنی و فرهنگ بی‌فرهنگیت را بیاوری وسط خانه ما. خلاصه پسر با تو توافق سوفیایی کنم ضرر است. توافق هم نکنم دردسر است. تازه توافق هم بکنم الکی نیست که، سوفیا چندتا پسرعمو و پسردایی و بچه‌محل دارد و همین‌که من بله را به تو بگویم، اینها عصبانی می‌شوند و می‌آیند سراغت. **نتیجه‌گیری:** بعضی‌وقت‌ها نه شما می‌خواهید بخريد، نه طرف می‌خواهد بفروشد، به این وضعیت می‌گویند دیپلماتسی.

# شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه ۹ اردیبهشت ۱۳۹۵ • ۲۰ رجب ۱۴۳۷ • ۲۸ آوریل ۲۰۱۶ • سال سیزدهم • شماره ۲۵۷۰ • ۲۰ صفحه  
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۲ • اذان مغرب ۲۰:۰۸ • اذان صبح فردا ۴:۰۲ • طلوع آفتاب ۶:۱۴

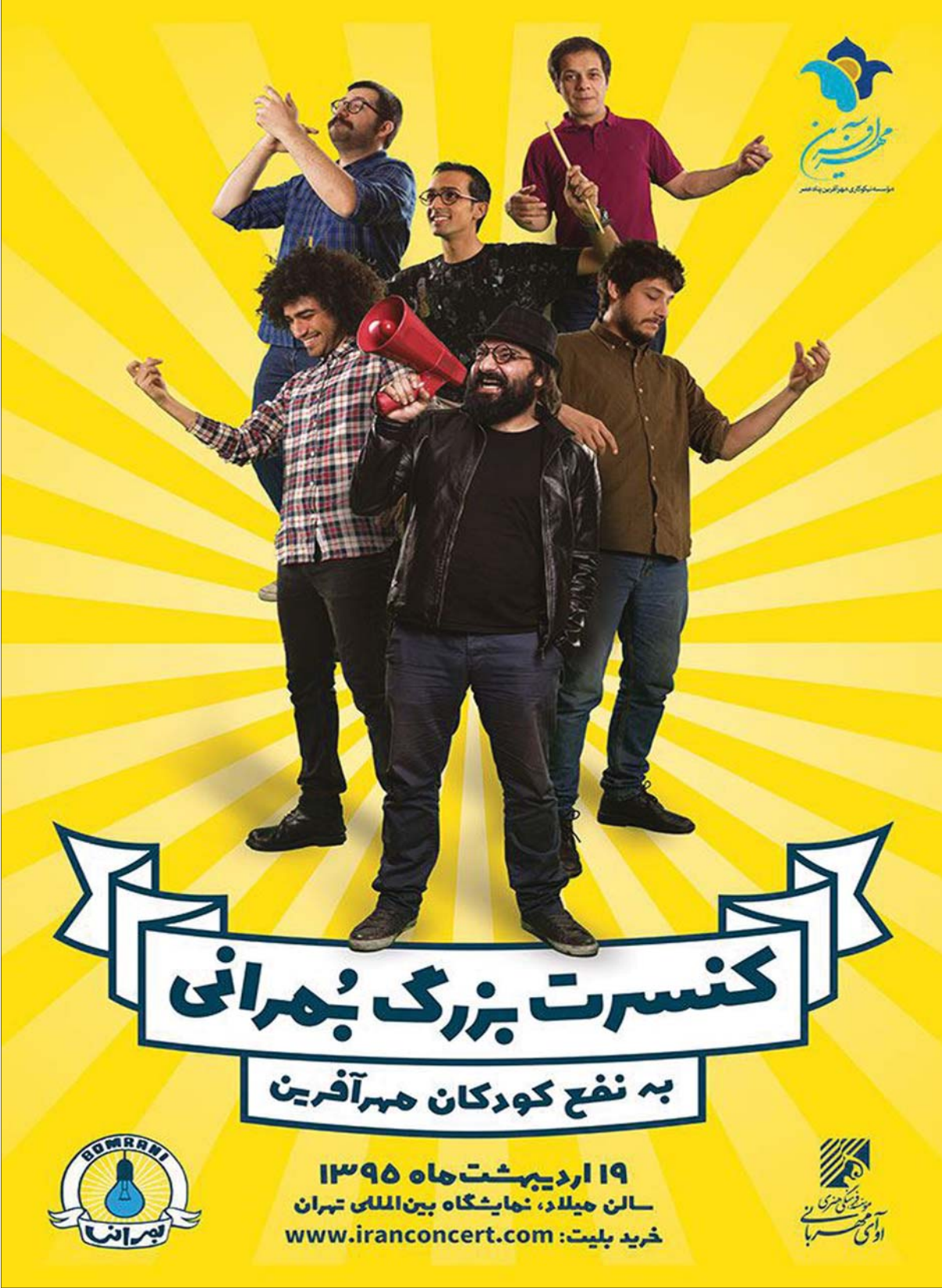
### روزنارخرا

fardashargh@gmail.com

### کارتون خواب



**علی رومانی**  
aliromani84@gmail.com



**پاسخ به فراخوان**

# حمایت از تمام آسیب‌دیدگان اجتماعی

زنان، به شکلی که زنان فکر نکنند باید از ترس نبود حمایت و همچنین به‌خطرآفتادن معیشت خود و فرزندانشان، به هر زندگی‌ای تن دهند. امروز در کشور نهادهای مردمی‌ای هستند که در زمینه اشتغال زنان بی‌سپرست یا بدسپرست فعالیت می‌کنند. اما این حمایت‌ها نباید محدود به نهادهای مردمی باقی بماند و نهادهای مسئول باید در این زمینه دست به اقدام بزنند. شاید یکی از اقدامات جدی در این زمینه، ایجاد مکان‌های امنی باشد که زنان بتوانند در شرایط خطر به آن پناه ببرند و این توسط دولت و دیگر نهادهای مسئول امکان‌پذیر است. از سوی دیگر همان‌طور که گفتم، اتفاقی که برای اعظم و شوهرش افتاده، فراتر از یک مسئله جنسیتی و یک مسئله انسانی است. به همین دلیل، تلاش برای مبارزه با مواد مخدر و همچنین نجات بیماران اجتماعی از اعتیاد، باید جدی‌تر از گذشته دنبال شود.

## رودرو

## گفت‌وگو با مجتبی راعی درباره مطالبات جامعه کارگری از هنرمندان کجاست تصویر واقعی «کارگران» در سینمای ما؟

همان‌طور که هستند به مخاطبان انتقال دهیم، این فاصله و این حس بد هیچ‌گاه به وجود نمی‌آمد، اما واقعیت این است که بدنه سینما، یک نوع نگاه طبقاتی به جامعه دارد که نشانه‌های آن را در نوع مواجهه با گروه‌ها و اقشار مختلف می‌بینیم، در چنین نگاهی، کارگران در حاشیه هستند و دوربین به کشف سبقتا زندگی آنها، بدون سیاه‌نمایی یا نگاهی دمدستی نمی‌پردازد. در بدنه سینمای ما، اصل این است که خوشبختی نزد پول‌داران است و طبیعی است کارگران زحمتکش، جایی در این تصویر نداشته باشند؛ چراکه با مشکلات اقتصادی دست به گریبان‌اند.

● **کدام‌کدام از صفتهای کارگران در سینمای ایران، نادیده‌انگاشته شده؟**

اگر نگاه انسانی به کارگران داشته باشیم، هوش احساسی فوق‌العاده آنها را درک خواهیم کرد، آنها مردمانی به‌شدت دقیق، سخت‌کوش و مقتصد هستند؛ چراکه اگر نباشند، نمی‌توانند زندگی‌شان را با این حقوق‌های کم اداره کنند. در عوض آنچه سینما از کارکران نشان می‌دهد، صرفاً تصویری تکراری از آدم‌های در حاشیه است، گویی یادمان رفته اینها همان‌هایی هستند که با کمترین حقوق‌ها، شرافتمندانه زندگی می‌کنند.

● **به عنوان آخرین سؤال، معذورت‌های سینما در انعکاس چهره کارگران چیست؟**

بگذارید مسئله را این‌طور ببینیم؛ گروهی هستند که با دیدن تصویر واقعی‌شان در رسانه، ممکن است ناراحت شوند. اما سکوت می‌کنند، گروه دیگری اما به آن واکنش نشان می‌دهند و این برمی‌گردد به این نکته که چقدر آدم‌ها دوست دارند تصویر واقعی خود را ببینند؛ در سطوح مختلف جامعه همیشه برخورد‌هایی در این زمینه با سینما و تلویزیون وجود دارد. اما درباره کارگران می‌دانیم آنها آدم‌های بزرگ و خودشئیفته‌ای نیستند، آنها هر روز با تولید، در حال رشد و نوشدن هستند و فکر می‌کنم، برای دیدن تصویر واقعی خود آماده باشند؛ هرچند تلخ در سینما.

## پیشنهاد

روزنامه و قصه گفته‌اند. اصلی‌ترین پرونده کرکدن این شماره، به دهه-۶۰ اختصاص دارد. دهه‌ای پر از نوستالژی و ... که دل آن هزار خاطره بیرون آمده، گزارش‌ها اما سمت‌وسویی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی یافته‌اند تا سیدمحمد بهشتی از حیات جامعه ایران در این دهه بگوید، استاد نصرالله پورجوادی از روشنفکری این دوران، سعید لیلاز از اقتصادش و در نهایت جواد طوسی از سینمای این دهه.

انجمن شاعران بخش دیگری از مجله است با شعرهای تازه‌ای از یوسفعلی میرشکاک، یار غار میرفتاح، آرش شفاعی، سیدحامد احمدی، سازان مصدق و... و در بخش داستان ایرانی هم چند داستان کوتاه از فرشته مولوی، حافظ خیابی، جواد جزینی، داوود غفرآزادگان، شرمین نادری و... یکی از جذاب‌ترین‌های این شماره اما بی‌شک اختصاص دارد به گفت‌وگو با سروش حبیبی؛ مترجمی که نامش با بزرگان ادبیات روس گره خورده است و چند صفحه جلوטר، محمود حسینی‌زاد، به بهانه روز تولدش پاسخ‌گوی سؤالاتی شده است که معمولاً از چنین مترجمی می‌پرسند. کامیبت درمبخش هم در این مجله هست و صفحه‌ای مخصوص به خود دارد تا کرکدن با دو دل‌نویسته و یک بخش شعر طنز، مخاطبان خودش را تا

هفته بعد بدرود بگوید. براساس رسم معمول باید این را هم گفت که صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول این هفته‌نامه فرهنگی، هنری، اجتماعی و سیاسی، الیاس حضرتی و جانشین مدیرمسئول و سردبیر آن سیدعلی میرفتاح است که هر هفته سه‌شنبه‌ها به قیمت شش‌هزار تومان روی دکه خواهد بود.



گیرد. اما از سوی دیگر، همسر او نیز قربانی اعتیاد و یک بیمار اجتماعی است. امروز متأسفانه برخی از جوانان ایرانی از هر طبقه اجتماعی، دچار این بیماری هستند و همه ما در میان اطرافیان و آشنایانمان چنین مواردی را دیده یا شنیده‌ایم. از همین رو وقتی در سال ۲۰۱۶ و در شرایطی که بشر به پیشرفت‌های گسترده دست پیدا کرده است، چنین اخباری را درباره اعمال خشونت‌خانگی به یک زن توسط همسر معتادش می‌شنویم، جای تأسف بسیار دارد. اما درعین‌حال این باعث می‌شود فکر کنیم چگونه می‌توانیم از این آسیب‌دیدگان اجتماعی حمایت کنیم. در زمینه حمایت از زنان، یکی از مهم‌ترین مواردی که همواره بر آن تأکید شده، اصلاح قوانین مربوط به زنان است، به گونه‌ای که زنان به پشتوانه قانون بتوانند از شرایطی که آنها را دچار آسیب می‌کند، دوری کنند؛ همچنین اعمال حمایت‌های اجتماعی برای حمایت از این



**لاله اسکندری**

بسیاری از زنان موفق و توانمند ایرانی در مسیر پیشرفتشان همواره شاهد موانعی بوده‌اند، موانعی که در بسیاری از کشورهای درحال‌توسعه در مسیر زنان وجود دارد. من نه به عنوان یک فعال زنان بلکه به عنوان یک زن ایرانی معتقدم برای رفع این موانع از پیش پای زنان و همچنین حمایت از زنانی که به اشکال مختلف دچار آسیب می‌شوند، باید تلاش کرد. امروز ما با مورد زنی به اسم اعظم مواجه هستیم که خود و همسرش هر دو قربانی دو آسیب اجتماعی جدی شده‌اند. اعظم ازاین‌رو که زن است و مورد خشونت خانگی قرار گرفته است، باید موردحمایت ویژه قرار

## گزارش فردا

## مسلمانان، بیشترین واکنش به تروریسم را دارند

مسلمانان بریتانیا درباره زندگی در این کشور چه فکر می‌کنند؟ این پرسشی است که تحقیقی جدید که نتایج آن از سوی نشریه «گاردین» منتشر شده، می‌خواهد به آن پاسخ گوید. این تحقیق که از سوی «ترور فیلیس»، دبیر سابق کمیسون برابری و حقوق بشر انگلستان، انجام شده، پس از آن منتشر شد که «دیوید کامرون»، نخست وزیر بریتانیا، گفته بود مسلمانان بریتانیا و به‌ویژه زنان باید باسواد شوند تا بتوانند در این کشور، زندگی بهتری داشته باشند. این سخنان دیوید کامرون موجی از مخالفت‌ها را برانگیخت و در همان زمان بریتانیای‌های زیادی این جملات را توهین‌آمیز خواندند و به آن واکنش نشان دادند، اما فیلیس در پژوهش خود تلاش کرده نظرات مسلمانان را درباره زندگی و فعالیت در بریتانیا بررسید. این تحقیق از آن‌رو صورت گرفته است که درحال‌حاضر در بریتانیا مسلمانان نقش بسیاری دارند. مسلمانان ۱۳ نماینده در پارلمان بریتانیا دارند. در جریان انتخابات شهردار برای شهر لندن، یکی از کاندیداها مسلمان بود و بزرگ‌ترین آشپز انگلیسی که وظیفه پخت کیک برای تولد ۹۴سالگی ملکه را برعهده داشت، مسلمان بود. یکی از سؤالات جالب این پژوهش در این زمینه بوده که چند درصد از انگلیسی‌ها اگر از اقدامات تروریستی آگاه شوند، آن را به پلیس اطلاع خواهند داد. این درصد برای معتقدان به دیگر ادیان بریتانیا ۳۰ درصد بوده است و برای مسلمانان ۳۴ درصد. همچنین براساس تحقیق دیگری که در همین زمینه صورت گرفته بود، ۹۴ درصد از مسلمانان بریتانیا، در صورت آگاهی از وجود افرادی که مشکوک به اقدامات خشونت‌بار هستند، آن را به پلیس اطلاع می‌دهند. نتایج این تحقیق همچنین نشان می‌دهد مسلمانان بریتانیا در زمینه مسائل امنی این کشور تفاوت محسوسی در دیدگاه‌ها با دیگر بریتانیایی‌ها ندارند. همچنین نتایج این پژوهش می‌گوید ۸۶ درصد از مسلمانانی که در این پژوهش شرکت کرده‌اند، احساس تعلق خاطر زیادی به محلی که در آن زندگی می‌کنند دارند و خود را در آن غریبه احساس نمی‌کنند. همچنین ۸۸ درصد از مسلمانان گفته بودند انگلستان جای خوبی برای زندگی است؛ اگرچه آنها در زمینه برخی از قوانین و همچنین آموزش‌های مذهبی به بریتانیا احساس نزدیکی نمی‌کنند. این تحقیق در میان هزار مسلمان در سرتاسر بریتانیا به صورت مصاحبه‌های رودرو صورت گرفته است. «خالد محمود»، یکی از اعضای پارلمان بریتانیا پس از انتشار نتایج این تحقیق درباره آن گفت: «جای خوشحالی است که مسلمانان در بریتانیا خود را جزئی از جامعه و نه مخالفان آن احساس می‌کنند، اما ما باید کاری کنیم که نقش آنها بیشتر از گذشته شود». او همچنین گفت: «در برخی زمینه‌ها شاهد پیشرفت‌های عمده در جوامع مسلمانان نبوده‌ایم و این به خاطر ازدحام جمعیتی است که در برخی محله‌های مسلمان‌نشین بریتانیا وجود دارد و ربطی به خواست تغییر در آنها ندارد». البته «شایسته قهیر»، رئیس شبکه زنان مسلمانان بریتانیا برخی از نتایج این پژوهش را به چالش کشیده است. او گفته است در این پژوهش سراغ گروه‌های جوان مسلمان نرفته‌اند؛ زیرا بسیاری از مسلمانان جوان بریتانیا نظری متفاوت با والدین و خانواده‌های خود دارند. او همچنین گفت: «نتایج این تحقیق می‌گوید چندهمسری در میان مسلمانان پذیرفته شده است، درصورتی‌که با وجود پذیرفته‌بودن این موضوع از نظر شرع، جوانان دیدگاه‌های متفاوتی به این موضوع دارند. همچنین درست است که از نظر مسلمانان همجنس‌گرایی پذیرفتنی نیست و باید غیرقانونی باشد، ولی این به این معنی نیست که مسلمانان آدم‌های متعصبی هستند؛ چنان‌که اکنون مسلمانان در بریتانیا، در کنار دیگران زندگی می‌کنند». او همچنین تأکید کرد: «همچنین نباید نتایج این تحقیق را این‌گونه تعبیر کرد که مسلمانان بریتانیا از زندگی در این کشور احساس غرور می‌کنند؛ این تعبیر رسانه‌ای از نتایج این تحقیق است، بلکه باید توجه داشت اکثریت مسلمانان چگونه فکر می‌کنند. تفکرات آنها با چیزی که معمولاً منتشر می‌شود، متفاوت است.»

**شرق:** «کرکدن» واقعی بیرون آمد. حالا دیگر نه در ضمیمه سه‌شنبه‌های روزنامه اعتماد، بلکه هفته‌نامه‌ای مستقل که طرشن را «سیدعلی میرفتاح»، خیلی پیش از اینها در ذهن داشت. آتهایی که این روزنامه‌نگار را می‌شناسند، ید طولای او را در انتشار چنین مجله‌هایی به‌خوبی به یاد دارند. این‌بار اما میرفتاح در همان سخن اول، کار را یک‌سره کرده و ترسیم می‌کند آن چمنزاری که کرکدنش قرار است، بله در خنکای جمنش رها شود. این کرکدن هم در اصل شمع کوچکی است که بسیاری از نویسندگان و هنرمندان و خوانندگان و رفیقان را کرد خویش جمع کرده است. ما کارمان چیزی نیست جز اینکه از جاهای دیگر بزنیم و همواره و اگرچه به‌سختی این شمع را روشن نگه داریم. ما- این بله، انکار چندان هم با آرامش همراه نیست که در ادامه هم جملاتی چون «اینجایی که ما هستیم بادهای تند می‌وزد که هر لحظه ممکن است این کانون کوچک نور را خاموش کند و این محفل را از هم بکسلاند»، خاطره تلخ سن امید در مطبوعات ایران را یادآور می‌شود. برهمین اساس است که گزارش‌های شماره اول، می‌تواند سست‌وسوی این آینده را ترسیم هم درمچون آنچه که به موضوع بازگشت احمدی‌نژاد به عرصه سیاست پرداخته؛ گزارشی درباره چرایی‌های بازنگشتن احمدی‌نژاد پیش از آنکه در محکمه‌ای به اتهاماتی که متوجه او و دولتش بوده پاسخ دهد. نویسندگان مختلفی در نخستین شماره، دوستان کرکدن بوده‌اند؛ از احمد طالبی‌نژاد گرفته که یادی کرده از کیارستمی و شجریان و رفتگانی چون هاشمی‌نژاد و حاتمی تا هوشنگ گلמکاني و هارون پیشایابی که هر دو خاطراتشان را به تهران وصل کرده‌اند و از این پایتخت پیر از دود و

کرده‌اند و از این پایتخت پیر از دود و